

دکتر سقای بی‌ریا در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شد. وی از شاگردان ممتاز آیت‌الله مصباح‌یزدی است که در سال ۱۳۷۰ برای تحصیل به دانشگاه مک‌گیل کانادا اعزام شد و سپس مسئولیت مرکز اسلامی در هوستون امریکا را عهده‌دار شد. وی در سال ۱۳۸۴ به ایران بازگشت و پس از چند ماه به درخواست دکتر احمدی‌نژاد و تکلیف آیت‌الله مصباح یزدی، مشاور رئیس‌جمهور در امور روحانیت شد و تا اواخر سال ۱۳۸۹ در این سمت باقی ماند. زاویه گرفتن جریان نفوذی در دولت دهم از مبانی انقلاب و اسلام موجب شد تا در زمستان ۱۳۸۹ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سقای بی‌ریا از سمت مشاورت رئیس‌جمهور در امور روحانیت استعفا دهد و مسئولیت دفتر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را بپذیرد.

شما در کشورهای امریکا و کانادا مشغول به تحصیل بودید، چه شد که به ایران برگشتید و این موضوع مربوط به چه سالی است؟

رفتن بنده به کانادا و بعد امریکا براساس برنامه‌ای بود که برگشتن از این کشورها به خاک مقدس کشورمان هم جزئی از آن بود. بنده از طرف حوزه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در این دو کشور بورسیه‌ب‌وادم. البته در آن مدت مأموریتی هم داشتم و آن سرپرستی یکی از مراکز اسلامی کشور امریکا بود و همین که دوره دکترا به پایان رسید طبق تعهدی که به مؤسسه حضرت امام خمینی(ره) داشتیم به کشور برگشتیم.

گو یا شما به عنوان نماینده تام‌الاختیار مقام معظم رهبری در امریکا بودید، در مورد این انتصاب و وظایف خود در این رابطه توضیح بفر ما کنید.

بنده سرپرست مرکز تبلیغاتی اسلامی هوستون در ایالت تگزاس امریکا بودم از طرف دفتر بین‌المللی مقام معظم رهبری هم قبول وظیفه کردم. چون ما و کالت داشتیم برای «امور مردمی» و انتقال وجه عملاً ممکن نبود، طبق توافقات صورت گرفته بنده موظف شدم تمام وجوهاتی که شیعیان آن کشور برای دفتر مقام معظم ارسال می‌کنند را دریافت کنیم و هم آنجا مصرف کنیم. البته رسیدگی به مراکز مهم و دانشجویان در اولویت بود.

از چه سالی و به چه شکلی زمینه فعالیت شما با دولت آقای احمدی‌نژاد فراهم شد؟

بنده سال ۱۳۸۳ به ایران برگشتم و در همان سال و بعد از آن در سال ۸۴ که فعالیت‌های انتخاباتی رونق گرفته بود، در حمایت از دکتر احمدی‌نژاد کارهایی را صورت دادیم. بعد از این هم زمانی که آقای احمدی‌نژاد پیروز انتخابات شد حکم بنده به عنوان مشاور رئیس دولت در امور روحانیت زده شد.

درباره نوع فعالیت‌های انتخاباتی خود در سال ۸۴ و چگونگی انتخابتان به عنوان مشاور رئیس‌جمهور توضیح دهید.

ما در انتخابات ۸۴ فعال بودیم. تشخیص ما این بود که در میان تمام کاندیداهایی که حضور داشتند بهترین شخصی که روی طرح پنج ماده‌ای رهبری انقلاب کار می‌کند آقای احمدی‌نژاد است و این در میان حزب‌اللهی‌ها و متدینین سراسر کشور مشهور بود. تمام دغدغه آن زمان ما این بود که شخصی را پیدا کنیم که با تمام شاخصه‌های مقام معظم رهبری همخوانی داشته باشد و مصداق آن را در آقای احمدی‌نژاد پیدا کردیم و در این زمینه تلاش‌های فراوان صورت گرفت. بعد از آنکه رئیس‌جمهور حکم تنفیذش را از مقام معظم رهبری می‌گیرد مشورت می‌کند با برخی از افراد و از جمله بزرگان حوزه، ایشان را به حضرت آیت‌الله مصباح سوق می‌دهند و ایشان بنده را به عنوان مشاور امور روحانیت پیشنهاد می‌دهند و رئیس‌جمهور هم می‌پذیرند و حکم می‌دهند.

گزینه دیگری هم به جز شما برای مقام مشاور مطرح بودند؟

بله قبل از بنده چند حجت‌الاسلام والمسلمین صلحی به آقای احمدی‌نژاد پیشنهاد می‌شود که البته به خاطر دو شغله بودنشان و مباحثی از این قبیل مورد قبول واقع نمی‌شوند.

لازم است عرض کنم دوستان ما فراریند تبلیغات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ به صورت خودجوش گروهی را تشکیل دادند که بیشتر آن را شاگردان آیت‌الله مصباح و نواعاز اساتید مؤسسه امام خمینی(ره) تشکیل می‌داد و این دوستان بین خود پول‌هایی را جمع‌وری می‌کردند برای هزینه‌های رفت و آمد به شهرستان‌ها و استان‌های مختلف. هدف از سفر به شهرهای مختلف این بود که ضمن آشنایی راه و آندیشه حضرت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب از کاندیداتوری آقای احمدی‌نژاد حمایت‌شود. کسانی هم که به عنوان دوستان ما در شهرستان‌ها بودند و رابطه ما به حساب می‌آمدند برنامه‌ها و سخنرانی‌های ما را از طریق دفتر پژوهش‌های فرهنگی تنظیم می‌کردند.

در مورد نوع فعالیت‌های خود در زمان قبول تصدی پست مشاورت بفر ما کنید؟

ما به لحاظ سمت و جایگاهی که داشتیم تمرکزمان روی فعالیت‌های مربوط به روحانیت بود. نوعاً در سفرهای استانی که رئیس‌جمهور با علما و روحانیون (مثلاً نمایندگان ولی فقیه در استان و ائمه‌جماعت) جلسه داشت ما همراه رئیس‌جمهور بودیم و مشکلات و سختی‌ها و نظرات و پیشنهادات آنها را در حوزه‌های مختلف می‌شنیدیم. شرکت در شورای اداری استانی یا شهرستان هم در همین راستا صورت می‌گرفت.

یکی از مطالبات رهبری از دولت نهم و دهم که شکل انتقادی به خود گرفته بود، شکل تعامل و ارتباط دولت با حوزه و روحانیون بود، چرا این ارتباط به مرور زمان کمرنگ‌تر شد و خواسته‌های مقام معظم رهبری در این راستا محقق نشد؟

پدیده آمدن مسئله انحراف و انحرافیون در دولت ریشه این اختلافات

و جدایی بود.

سلیقه‌هایی که در این رابطه از سوی منسوبین به فرقه انحرافی ابراز و اعلان می‌شد که استارت آن از موضوع پرحاشیه «حضور زنان در روزنشگاه» آغاز شد باعث شد اندک اندک روابط دولت با حوزه و روحانیون تیره شود. اظهار و رسانه‌ای کردن مسائل حساسیت‌برانگیز از نسوی این فرقه با انتقادات و واکنش علما رویه‌رو شد و از همان ابتدا حضرت آیت‌الله مصباح نسبت به این گونه مسائل مواضع خوب و روشنی را اتخاذ می‌کردند.

عدم توجه لازم به مسئله عفاف و حجاب و اقدام نکردن به هنگام دولت در زمینه‌های مختلف از روشنی و دینی باعث شد که این زاویه هر روز بازتر بشود.

ما واقعاً به دنبال آن بودیم ارتباط بین دولت و روحانیون را برقرار کنیم ولی کار بسیار مشکلی بود تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به فرقه انحرافی مانع می‌شد که ارتباط التیام پیدا بکنند یا منجر به پدید آمدن رابطه مناسب و خوبی بین دولت و حوزه شود. البته نباید تلاش‌های بیرونی گروه و عده‌ای را در بیرون از دولت نادیده گرفت. بیرونی‌ها هم سعی داشتند روابط را تیره نگه داشته و از آن بهره‌برداري کنند و هر چه می‌گذاشت این رابطه مثبت و سازنده نمی‌شد. هرچند که جلسات خوبی هم برخی مواقع شکل می‌گرفت اما مستدام نبود. عملکرد و مواضع فرقه انحرافی دولت و تشویق و تشویب بیرونی‌ها به مثابه یک قیچی عمل می‌کرد که رابطه دولت و حوزه را قطع می‌کردند. به هر حال این رابطه رابطه خوب و سازنده‌ای نبود و هر قدرتم تلاش کردیم، مطلوب نشد. پس **شما قائل به این هستسید که فعالیت‌های انحرافی از اوایل دولت نهم شکل گرفته و با گذشتت زمان شکل کامل‌تری به خود می‌گرفت؟**

اولین جرقه این تفکرات با موضوع ورود زنان به ورز‌شگاه‌ها شروع شد

۱۴ جوان

محمد اسماعیلی

دغدغه‌های فرهنگی، سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی و چگونگی ورود شاگردانش

به مناسبات سیاسی در گفت‌وگوی «جوان» با حجت‌الاسلام سقای بی‌ریا

شکاف دولت و حوزه را جریان انحرافی کلید زد



عکس: علی مختاری /رئیس‌وزیر

که با تعجب و حیرت علما روحانیون و دلسوزان همراه بود و کسی انتظار نداشت که این مسائل پیش بیاید. اولین کسی هم که موضع‌گیری کرد و نامه تند نوشت حضرت آیت‌الله مصباح بود و حتی بنده و آقای حجت‌الاسلام آقا‌تهرنی را به دیدار رئیس‌جمهور فرستاد که البته کسی از این مسائل مطلع و باخبر نبود. آنجازنگ خطر به صدا در آمد.

پاسخ آقای احمدی‌نژاد چه بود؟

بالاخره ایشان پاسخ خاصی نسبت به این مسائل داشتند. در برخی سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها هم اینها را بیان می‌کرد و روی همه آنها تکیه داشت. این چیز مخفی نبود. البته تغییری در افکار و گفتار ایشان ایجاد نمی‌شد هر چند که مورد نقد و



ما واقعاً به دنبال آن بودیم ارتباط بین دولت و روحانیون را برقرار کنیم ولی کار بسیار مشکلی بود تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به فرقه انحرافی مانع می‌شد که ارتباط التیام پیدا بکنند یا منجر به پدید آمدن رابطه مناسب و خوبی بین دولت و حوزه شود. البته نباید تلاش‌های بیرونی گروه و عده‌ای را در بیرون از دولت نادیده گرفت. بیرونی‌ها هم سعی داشتند روابط را تیره نگه داشته و از آن بهره‌برداري کنند و هر چه می‌گذاشت این رابطه مثبت و سازنده نمی‌شد. هرچند که جلسات خوبی هم برخی مواقع شکل می‌گرفت اما مستدام نبود. عملکرد و مواضع فرقه انحرافی دولت و تشویق و تشویب بیرونی‌ها به مثابه یک قیچی عمل می‌کرد که رابطه دولت و حوزه را قطع می‌کردند. به هر حال این رابطه رابطه خوب و سازنده‌ای نبود و هر چنت تلاش کردیم، مطلوب نشد. پس **شما قائل به این هستسید که فعالیت‌های انحرافی از اوایل دولت نهم شکل گرفته و با گذشتت زمان شکل کامل‌تری به خود می‌گرفت؟**

برشش واقع می‌شد.

ارتباط آقای احمدی‌نژاد با حضرت آیت‌الله مصباح چگونه بود، آیا جلسات مستمری صورت می‌گرفت؟

همه‌بیشتر سعی داشتند این مسئله انحرافی حل بشود و تلاش‌های بسیاری صورت می‌گرفت. شما برگردید به آن زمان که دولت مکتبی مشغول به کار شد. آن زمان دولت عملکرد مثبت و پویایی دارد و در این بین مشکلاتی هم پیش آمد. عقلایی

این بود (هر چند نظر مقام معظم رهبری هم در آن زمان این بود) که موضوع، موضوع جزئی و فرعی است و این قابل حل است و جزو مسائل اصلی و اساسی به حساب نمی‌آمد. واقعاً هم همین‌طور بود و بعداً به آرامی تبدیل به موضوع اصلی شد.

ما شاهد بودیم که موضوع فرعی مثل انحرافی آن روز خانه نشینی احمدی‌نژاد منجر شد و به آن زمان بود که دیگر نمی‌شد آن را یک مسئله فرعی به حساب آورد. بعد هم از سوی مقام معظم رهبری نظر این بود که موضوع را تبیین کنید و ما هم سعی کردیم در این راه قدم برداریم و در رأس این آگاه‌سازی حضرت آیت‌الله مصباح همراه اساتید مؤسسه به لحاظ فکری این فرقه و عملکردشان را نقد کردند. اولین کسی هم که تعبیر فراماسورنی جدید را به کار برد در مورد این دسته حضرت آیت‌الله مصباح بود. در بی این روشنگری‌ها بود که فرقه انحرافی در انتخابات سال گذشته نتوانست مهره‌های خود را وارد مجلس نهم کند به رغم آن‌هزینه‌ها و تشکیلات گسترده‌ای را متقبل شده بود.

اتفاق افتاد که حضرت آیت‌الله مصباح در همان دولت نهم، شاگردانش را موظف یا مکلف به مقابله با این افکار منحرف در دولت کند؟

مقابله با گروه انحرافی تمام با نقطه نظرات مقام معظم رهبری انجام می‌شد، دقیقاًنوع موضع‌گیری حضرت آیت‌الله مصباح و شاگردان ایشان تمام با توجه به نقطه نظرات مقام معظم رهبری انجام می‌شد.

مقام معظم رهبری به اقتضای روز و وضعیت پیش آمده موضع‌گیری می‌کردند و ما هم مطابق فرمایشات ایشان وارد عمل می‌شدیم. در عین حالی که ما مسائل را روشن می‌کردیم و بیان می‌کردیم، اما شدت و ضعف مسائل در زمان‌های مختلف متفاوت بود. آخرین اقدام به جا و قابل تحسین آیت‌الله مصباح هم در جهت تأسیس جبهه پایداری هم با اهداف سازنده‌ای شکل گرفت. قبل از تأسیس این جبهه بنده بارها شاهد بودم که بسیاری از دوستان پیشنهادهاتی داشتند و مطرح می‌کردند که ما در قبال انتخابات مجلس نهم چه موضعی داشته باشیم. به دنبال این چنین پیشنهادهاتی آیت‌الله مصباح در جلسه حضور پیدا کرد و خود پیشنهاد تشکیل جبهه پایداری را مطرح کرد و فرمودند مطابق قرآن کریم باید دوستان هم برارزش‌ها و فرامین دینی پایداری و استقامت

کنند. ایشان حتی در آن جلسه اشاره فرمودند که جوانانی که در دو انتخابات سال ۸۳ و ۸۸ حضور فعالی داشته‌اند محتمل است که به واسطه فعالیت‌های انحرافی در دولت در سر خوردگی یا سرگشتگی به سر ببرند و به همین دلیل باید این جوانان مذهبی و انقلاب را جذب کرد. این اقدام یکی از اقدامات مهم و بنیادین حضرت آیت‌الله مصباح است که به تاکام گذاشتن گروه انحرافی هم منجر شد.

پس مهم‌ترین دغدغه آیت‌الله مصباح در برهه کنونی مبارزه علیه انحراف، روشنگری فعالیت‌ها و تحرات آنها و جذب جوانان انقلابی و مذهبی است؟

همین‌طور است. اما لازم به ذکر است که دغدغه ایشان از همان ابتدای انقلاب دغدغه‌های فرهنگی و فکری بوده است. بنده خاطرم است که حضرت

آیت‌الله مصباح در مقدمه سلسله سخنرانی‌های ایدئولوژیک (در سال ۵۸ که علیه کمونیست‌ها بود که در آن زمان فعال شده بودند)، عنوان می‌کرد که اگر ما بخواهیم انقلابمان در مسیر خودش ادامه پیدا کند و منحرف نشود، (انقلابی که ماهیتش مذهب اسلام‌ناب محمدی(ص) است) باید فعالیت‌دو جانبه را آغاز کنیم. یکی در رد افکار انحرافی و الحادی مطابق ارزش‌های اسلامی و دینی و دیگری تبیین مسائل فکری و تئوریک اسلامی و جامعه‌اسلامی، که باید اساسی‌سر روی آن کار کنیم. ایشان تضمین انقلاب و استمرار گفتنمان آن را از این طریق میسر می‌کنند. از سال ۵۸این کادرسازی و تربیت نیرو شروع شد و به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) رسید (که با حمایت مقام معظم رهبری تأسیس شد و جزء اولین گروه‌هایی است که بحث علوم انسانی را در حوزه شروع کرد).

این مؤسسه امروز صدها پژوهشگر محقق، فعال فرهنگی و دینی در زمینه‌های مختلف را در شهرهای مختلف مشغول به کار دارد. تا وقتی که افکار ما در کتاب‌ها و در سینه‌ها حبس شده است تأثیر آنچنانی در بین جوانان نمی‌گذارد. این هدفی است که حضرت آیت‌الله مصباح از اول داشته‌اند و الا آن هم به همین شکل است. دغدغه‌هایی که همواره ایشان داشته‌اند این بوده است که همیشه کارگزاران و مدیران نظام از لحاظ فکری تغذیه بشوند تا اینکه ما بتوانیم نتیجه مطلوب را بگیریم. بنده بارها شاهد بوده‌ام زمانی که رهبر معظم انقلاب به قم تشریف می‌آورد یکی از بزرگان که همیشه ملاقات می‌کنند و به دیدارش می‌روند حضرت آیت‌الله مصباح است. دغدغه حضرت آیت‌الله مصباح همان دغدغه‌های فکری و فرهنگی

مقام معظم رهبری است. متفاوت بود. هر چه هست در اوایل دولت آقای احمدی‌نژاد، معاون اول‌شان به حضرت آیت‌الله مصباح پیشنهاد داده بود که کمک مالی به مؤسسه صورت بگیرد. جبهه پایداری هم با اهداف سازنده‌ای شکل گرفت

اسلام عمل کنید. خاطرم است بارها پیشنهادات مختلف به عنوان کمک مالی به مؤسسه می‌شد ایشان به هیچ عنوان زیر بار نمی‌رفتند. آیت‌الله مصباح بارها و در جاهای مختلف فرموده‌اند که بعد از حضرت امام(ره) شخصیتی ممتاز تر از مقام معظم رهبری در جامعیت، درایت و هوشمندی ندیده‌ام و باید به این لحاظ بارها خداوند را شکر کنیم. بارها تأکید فرموده‌اند که همه ما به نوعی وظیفه داریم حضرت آقا را در این راه سخت و پریچ و خم انقلاب کمک و یاری کنیم. اینها دغدغه‌های بوده که ایشان داشته و دارد.

شاگردهای آیت‌الله مصباح بر اساس فکر و تلقی خود در صحنه انتخابات حضور فعال داشته‌اند یا خیر، به واسطه



مقابله با گروه انحرافی تمام با نقطه نظرات مقام معظم رهبری انجام می‌شد، دقیقاً نوع موضع‌گیری حضرت آیت‌الله مصباح و شاگردان ایشان تمام با توجه به نقطه نظرات مقام معظم رهبری انجام می‌شد. مقام معظم رهبری به اقتضای روز و وضعیت پیش آمده موضع‌گیری می‌کردند و ما هم مطابق فرمایشات ایشان وارد عمل می‌شدیم. در عین حالی که ما مسائل را روشن می‌کردیم و بیان می‌کردیم، اما شدت و ضعف مسائل در زمان‌های مختلف متفاوت بود. آخرین اقدام به جا و قابل تحسین آیت‌الله مصباح هم در جهت تأسیس جبهه پایداری هم با اهداف سازنده‌ای شکل گرفت

تکلیفی که آیت‌الله مصباح بر دوش آنها گذاشته‌اند در انتخابات مجلس نهم حضور پیدا کردند؟

یکی از ویژگی‌هایی که ما از ایشان سراغ داریم تکلیف مداری عجیب ایشان است. ایشان هر جا که احساس می‌کردند باید ورود پیدا کنند لفظهای درنگ نمی‌کرده‌اند و همیشه به ما هم همین نصیحت و سفارش را می‌کردند. همیشه به ما می‌گفتند به دنبال تکلیف الهی باشید و نه چیز دیگری، هر جا تکلیف حکم می‌کند شما حضور پیدا کنید. تشخیص وظیفه و عمل به آن جمله‌ای بوده است که ما همیشه از سوی ایشان می‌شنیدیم. در مسئله جبهه پایداری و انتخابات مجلس نهم و قبل از آن هم به همین شکل بوده است. بارها فرموده‌اند فقط وظیفه ما درس خواندن، نوشتن مقاله و کتاب نیست، بلکه ما همیشه باید نگاه بکنیم و ببینیم وظیفه ما در قبال تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه چیست و نسبت به اینگونه مسائل هم حضوری فعال و آگاهانه داشته باشیم.

شما به کادرسازی مؤسسه حضرت امام(ره) و ورود هدمند شاگردان آیت‌الله مصباح به عرصه انتخابات داخنتیم، بفر ما مید از این به بعد انتظار این را داشته باشیم که شاگردان منسوب به ایشان در مناسبات مختلف سیاسی و از جمله انتخابات مختلف حضور فعال داشته باشند؟

حضرت آیت‌الله مصباح با اینکه فعالیت‌های سیاسی و مذهبی خود را از سال ۴۲ آغاز نموده اما هیچ‌گاه علاقه نداشته‌اند که در یک قالب حزب و دسته و گروه سیاسی به مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه ورود پیدا کنند هر چند که ایشان جزء فعال جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بوده‌اند و در زمان‌های مختلف به عنوان شاگرد حضرت امام (ره) به دست ساواک دستگیر شده‌اند.

منتها تأسیس یک گروه و یک تشکل برای اولین‌بار است که از سوی ایشان صورت می‌گیرد ولی بنده می‌خواهم اطمینان بدهم که این مسئله مسئله جدیدی نیست. تشبیه این کار مثل بذری است که کاشته می‌شود و شاخه و برگ می‌دهد و بعد میوه می‌آورد.

جبهه پایداری هم یکی از میوه‌هایی است که سال‌های سال کاشته شده و در صحنه هم بوده است و اما بروز و ظهور آن در سال گذشته اتفاق افتاد. البته تأثیر گذاری شاگردان حضرت آیت‌الله مصباح در دانشگاه‌ها بر کسی پوشیده نیست. حضور پررنگ اعضای مؤسسه پژوهشی آموزشی حضرت امام را در سطح کشور و از جمله در مراکز فرهنگی و تبلیغی می‌بینیم. سال‌هاست که افراد بسیاری از دل این مؤسسه بیرون می‌آیند و به جامعه و مردم خدمت می‌کنند و در مسائل سیاسی اجتماعی و فرهنگی به کشور خدمت کرده‌اند اما اکنون برخی از این افراد به عنوان تشکل سیاسی حضور دارند اما همان اهداف مؤسسه و حضرت آیت‌الله مصباح را دنبال می‌کنند. نظر ما این است که اگر می‌خواهیم نظام حفظ بشود و هویت اسلامی خود را حفظ کنیم باید کارهای فکری فرهنگی را به صورت منظم، حساب شده و برنامه‌ریزی شده انجام بدهیم. این کار جایگاه رفیعی را می‌طلبد که به عقیده ما جایگاه اصلی آن مجلس است.

شما رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بوده‌اید. در حالی که جامعه از جبهه متحد اصولگرایان حمایت کرد. شما با لیست جبهه پایداری در انتخابات شرکت کردید چرا؟

بنده جزو گروه مؤسس و از اعضای اصلی جبهه پایداری بودم و این را جدای از جامعه مدرسین حوزه علمیه تفسیر می‌کردیم.

برنامه‌های جبهه پایداری پس از حضور اعضای آن در مجلس نهم چیست با توجه به اینکه تعداد قابل توجهی از این جبهه حضورشان در مجلس آینده قطعی شده است؟

برنامه‌هایی که نظام برای خودش ترسیم کرده است در صدر برنامه‌های آینده جبهه پایداری است. مثلاًسند چشم‌انداز: ۲۰ ساله با سیاست‌های ابلاغ شده مقام معظم رهبری و نقشه پنج مرحله‌ای که معظم له مطرح فرموده‌اند مبنای کار ماست. بسیاری از دغدغه‌هایی که حضرت امام و مقام معظم رهبری داشته‌اند معمولاً در کش و قوس‌ها و جدال‌های سیاسی گم شده‌اند.

در فضای کنونی به دلیل آنکه بسیاری از مسائل در جدال‌های بی‌مورد گم شده است، ما می‌خواهیم در این راه ورود به هنگام و برهیز از اینگونه رویه‌ها به دغدغه‌های مقام معظم رهبری بپردازیم.

ما می‌خواهیم یک مجلس سالم و کارآمد داشته باشیم، یک مجلس فکری و خلاقیت‌زار داشته باشیم. ما می‌خواهیم نظامات ناب اسلام به شکل قوانین در کشور جاری بشود که سعادت بخشی نصیب مردم و ملت ما بشود.

اینها آرمان‌هایی است که ما (جبهه پایداری) داریم.

برخی رسانه‌ها سعی دارند اینگونه وانمود کنند که جبهه پایداری یا نمایندگان جریان انحرافی در درون مجلس نهم ائتلافی را صورت خواهند داد، نظر شما در این باره چیست؟

این بسیار روشن است و دلسوزان این را می‌دانند که اولین شخصی که با این جریان انحرافی در افتاد و انحراف را منزوی کرد و علیه این دسته و فعالیت‌های آنها روشنگری کرد حضرت آیت‌الله مصباح و شاگردان ایشان بودند. همین افراد بودند که آمدند و جبهه پایداری را تشکیل دادند. چطور ممکن است جبهه پایداری با کسانی که خود علیه آنها ماهه مقابله می‌کنند ائتلاف کند. این حرف مضحک و بی‌مبنای است که برخی سایتهاو افراد سعی دارند برای تخریب و هجمه علیه جبهه پایداری مطرح کنند.

در چند دوره اخیر انتخابات مجلس می‌بینیم تعداد روحانیون به مجلس راه یافته رو به کاهش بوده است دلیل این امر را چه می‌دانید؟

مقام معظم رهبری در سفر به قم تعبیر جالبی به کار بردند و فرمودند، آخوندگومتی و حکومت آخوندی.

مطلبی از فرمایشات تلقی ما این نیست که هر کس آخوند بود باید حاکم باشد، نه. اما آخوندی که سطح آگاهی او از اسلام، قوانین و نظامات اسلامی و شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه مطلوب و مناسب باشد باید در حکومت حضور داشته باشد. حضور روحانیت کار آمد و آگاه در مجلس و دیگر نهادها حتماً واجب است.

ما قوانینی را که تصویب می‌کنیم باید منطبق بر اسلام باشد، برخاسته از اسلام باشد. بسیاری از مسائل در کش و قوس‌های بی‌مورد مجلس در فضای کنونی گم شده است، ما می‌خواهیم با درایت و ورود به هنگام و برهیز از اینگونه رویه‌ها در دغدغه‌های مقام معظم رهبری بپردازیم.

استقبال جامعه از جبهه پایداری در دور اول انتخابات چطور بود و احتمال می‌دهید چند نفر از لیست جبهه پایداری در دور دوم انتخابات رأی بیاورند؟

دور اول شاهدبودیم که تبلیغات جبهه پایداری بسیار ساده و کم‌حجم بود و تمام اقلام تبلیغاتی مایک پرورش ساده بود. حتی این تعداد به دست همه افراد هم نمی‌رسید وبسیاری مجبور بودند از یک پرورشور چند کپی بگیرند. ما بیشتر از آنچه توقع داشتیم، مردم به لیست جبهه پایداری اقبال کردند. در مقایسه با دیگر گروه‌ها که تبلیغات گسترده و کار تشکیلاتی بسیاری انجام دادند ما بسیار موفق بودیم و در دور دوم هم تعداد نمایندگان منسوب به جبهه پایداری از همه بیشتر است و این خود دلیل واضحی است که نشان می‌دهد استقبال مردم به جبهه پایداری خوب و ارزنده بوده است. این باعث حیرت بسیار شد و البته گذشته از این موضوع همه جا عرض کرده‌ام که مردم از نظر فرهنگ انتخاباتی بسیار رشد داشته‌اند. مردم ما تکلیف مدار هستند و در زمانی که ببینند نظام و حکومت اسلامی به وجود آنها نیازمند است در صحنه حضور غیر تمندانه‌ای دارند.